

دین و دادخواهی

نویسنده: نصرالله نیک‌فر

همه دین‌ها و پیام‌برانی که در پهنه‌ی گیتی می‌شناسیم و هستند؛ در کنار دیگر آموزه‌ها و گزاره‌ها بر سر آزادی انسان تاکید کرده‌اند و ستم و بی‌دادگری را نکوهش کرده‌اند و ناپذیرفتنی دانسته‌اند. حتا دین اسلام روی این اصل تاکید زیادی کرده و آزادگی و دادگری را یکی از ویژگی‌های یک انسان شمرده‌است. این گزاره را برای این خواستم بشکافم و روشن کنم که شماری با نفهمی و برداشت نادرست از دین، می‌آیند بر پای مردم زنجیر برداشت ناروای خود، از دین را می‌بندن و می‌گویند این کار خلاف دین است و ناروا است و...

اگر بیایی و دادخواهی کنی و حق مردم را بخواهی و بگویی که چرا فلان گروه و فلان تبار محروم اند و سرشان ستم می‌شود و چرا هویت فلان تبار نادیده گرفته می‌شود، و چرا هرکس را آن‌گونه که خدا آفریده نشناسیم؟! این جا غوغا می‌شود که او برادر! در دین قوم‌پرستی نیامده‌است. وقتی حقات را بگیرند و زیر پاکنند و تو فریاد بلند کنی که چرا حق این تبار را زیر پا کردید؟ بازهم می‌گویند برادر، در دین من و تویی وجود ندارد. ماهمه برادریم و... باید این را روشن کنیم که دین به هیچ کس اجازه نداده‌است که به بهانه‌ی برادر بودن حق‌اش بگیرد. دین به هیچ کس اجازه نداده‌است که به بهانه‌ای دین و برادر بودن هویتش را نادیده بگیرد و زمانی که زبان و هویت‌اش را گرفته‌اند و فریاد دادخواهی بلند کرد باز به دامن دین می‌آویزد و می‌گویی در دین چنین چیزی نیست. پس از دید شما اگر نگاه کنیم، در دین حق مردم را، زبان مردم را، هویت مردم را و همه چیز مردم را به بهانه‌ی برادر بودن و مسلمان بودن می‌توان گرفت و زیر پا کرد.

در افغانستان پر دیده‌ایم که تبار حاکم آمده و جلو دهن مردم را گرفته‌است که شما به آن زبان سخن نگویند و به این زبان سخن بگویند، آمدند هویت مردم را خواستند تغییر بدهند و گفتند شما افغان باشید، و زمانی که مردم فریاد بلند کردند؛ باز گفتند که در دین دامن زدن پرسمان قومی، زبانی و سمتی و... ناروا است و ناجایز. برای همین، این جا به این سخنان از نگاه دین اسلام خواهیم پرداخت؛ تا ببینیم که آیا به راستی چنین است یا نه؟

نخست نگاه اسلام بر ستم‌گر را بررسی می‌کنیم: در قرآن کریم که خداوند (ج) می‌فرماید «خداوند مردمان ستم‌گر را هدایت نمی‌کند.»^(۱) این که ستم‌گر را خداوند هدایت نمی‌کند؛ پس ما چه گونه در برابر او سکوت کنیم و

لب و انکنیم؟ هم چنان می فرماید: «خداوند ستم گران را دوست نمی دارد.»^(۲) جایی که خداوند^(ج) ستم گران را دوست نمی دارد، چه گونه ما آمده ایم با ستم گران دست دوستی داده ایم و خمی هم به ابرو نمی کنیم. خداوند ستم گر را لعنت کرده و از او بیزاری می جوید: «بیدار باشید که لعنت خدا بر ستم گران باد!»^(۳) این جا هشدار سخت و شدیدی است بر این که ما در باره ی ستم گر حساس باشیم و مرزها را نگاه داریم. چون خداوند برای ستم گر بازپرس و سزای دردناکی را مژده می دهد: «و برای ستم گران عذاب دردناکی مهیا کردیم.»^(۴) که این خود نمایان گر بد بودن ذات ستم و ستم گر است. حتا خداوند می گوید: «عهد من [خلافت و راهبری جامعه] به ستم گران نمی رسد»^(۵) باز هم خداوند از باور به ستم گر هشدار می دهد: «و بر ستم گران تکیه ننمایید، که موجب می شود آتش شما را فرا گیرد، و در آن حال هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهد داشت، و یاری نمی شوید.»^(۶) و در این زمینه پیام بر خداهم تاکید می کند و از فرجام سخت هم کاری با ستم گر هشدار می دهد: «کسی که ستم گری را یاری کند؛ خداوند آن ستم گر را بر یاری کننده ی او چیره خواهد کرد.»^(۷) هم چنان پیام بر^(ص) برای ستم کاران و هم کاران شان دوزخ را مژده می دهد: «ستم گران و کمک کاران آن ها در آتش اند.»^(۸) باز هم پیام بر خداوند^(ج) می فرمایند: «کسی که ستم گری را یاری کند تا به وسیله ی باطلش حق را از بین ببرد، به راستی که ذمه و عهد خدا و رسولش از او بری و بیزار است.»^(۹) تا این جا روشن شد که جای ستم گر نزد خداوند^(ج) و پیام برش دوزخ است و یاری کنندگان ستم گران هم سزای همانند سزای آن ها دارند. در دین ستم ناروا و نابخشودنیست. ستم سخت نکوهش شده است ولو برای هر چیزی که باشد نادرست و ناروا است. چون این جا ستم در کلیت پرسمان مطرح است و نمی شود برای چیزی درست بودن ستم را انگشت نما کرد. خوب زمانی که ستم در دین ناروا و ناجایز است پس چرا کسی در برابرش ایستاد نمی شود و فریادی بلند نمی کند؟ برعکس کسانی را که در برابر ستم گران فریاد بلند می کنند به تیر تهمت و دسیسه ها می بندن و شرمی هم نمی کنند؟!

ایستادن در برابر ستم گر و دادخواهی برای مردم ستم دیده، تبار ستم دیده و انسان ستم دیده امر خداوندی است و سرکشی از این امر خداوندی خود هم داستانی با ستم گر است و حتا بیرون شدن از دایره ی ایمانی انسان می شود. چنانی که در آیه های قرآن کریم می خوانیم: «یعنی خداوند بلند کردن صدا را به بد گویی دوست ندارد، مگر از آن کس که به او ستمی شده باشد و خدا شنوا و داناست.»^(۱۰) این جاست که خداوند اجازه می دهد که مردم در برابر هر ستم و بی دادی فریاد خویش را بلند کنند و نگذارند که دستان ستم گر درازتر و بی دادی ها گسترده تر شود. خداوند^(ج) برای

ستم دیده‌ها اجازه می‌دهد که حق خود را از ستم‌گرستانند و چیزی که بر او کرده اند، او نیز بر ستم‌گر بکند: «پس هر کس به شما ستم کرد شما هم به همان اندازه که به شما ستم کرده‌اند بر آنان ستم کنید [از او ستم‌ستانید]»^(۱۱) خداوند (ج) به درستی دست دادخواهی را در برابر ستم‌گر و ستم‌گران باز گذاشته و گفته است که: «هر کسی از پی ستم دیدن، انتقام گیرد راه تعرضی بر علیه آن‌ها نیست.»^(۱۲) جای دیگر خداوند تأکید می‌کند که: «و چرا شما در راه خدا و [در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند پروردگارا، ما را از این شهری که مردم‌اش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر و از جانب خود سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.»^(۱۳) این‌جا می‌رساند که حتا به زور جنگ هم که شده ستم‌گر را باز دارید و او را در جایش بنشانید و حق خویش را به دست آورید. پیام‌بر اسلام می‌فرماید: «هر کسی داد ستم‌دیده‌ای را از ستم‌گر بگیرد، در بهشت با من و یار و هم‌نشین من باشد.»^(۱۴) ببینید جای‌گاه کسانی را که دادستانی می‌کنند برای ستم‌دیدگان چقدر بلند است نزد پیام‌بر اسلام و حضرت علی (رض) نیز می‌فرماید: «به‌ترین عدالت یاری ستم‌دیده است.»^(۱۵) در دین اسلام دادخواهی و ستم‌ستیزی به‌ترین کار و جوان‌مردانه‌ترین کار است. پیام‌بر (ص) می‌گوید: «کسی که با ستم‌گر راه رود (و یا همراه شود) مجرم است.»^(۱۶) ما از نگاه دین و پیام‌برش نباید با ستم‌گر راه برویم و با او هم‌پیمان و همراه باشیم و از او پشتی‌بانی کنیم و یاهم در کارهای که می‌کند با او هم‌نوا باشیم. در دین اسلام همراه شدن و هم‌گام شدن با ستم‌گر جرم است: «هر کس سه عمل انجام دهد، مجرم است: کسی که پرچم ناحق را بلند کند، یا عاق والدین گردد و یا با ستم‌گری جهت یاری، همراه شود.»^(۱۷) و نباید با ستم‌گر همراه شد و حتا نباید باعث جرات گرفتن ستم‌گر شد. چون پیام‌بر خدا (ج) می‌فرماید: «از ستم بترسید؛ زیرا ستم در قیامت به صورت تاریکی‌ها نمایان می‌شود.»^(۱۸) جای دیگر می‌آید: «نتیجه‌ی ستم، تاریکی‌های روز قیامت است.»^(۱۹) نه تنها دین از ما توقع دارد که در برابر ستم و بی‌دادی خاموش بنشینیم بل که هشدار می‌دهد که اگر بی‌توجه باشیم، عذاب الهی ما را نیز فرا خواهد گرفت: «به‌راستی هرگاه مردم، ستم‌گری را ببینند (که ستم می‌کند) و مقابل او نایستند و از ستم جلوگیری نکنند. به زودی عقاب فراگیری از طرف خداوند بر آن‌ها نازل خواهد شد.»^(۲۰) که بی‌تفاوتی و گذشت و نادیده گرفتن خودش جرم است در دین و باز اگر عذابی فرا می‌رسد همه کسانی را که خاموش و بی‌تفاوت نشسته‌اند فرا می‌گیرد. برای همین امام ابوحنیفه (رح) در برابر منصور (خلیفه‌ی خودکامه‌ی آن‌زمان) و امثال او می‌گفت: «اگر آن‌ها اراده‌ی ساخت مسجد داشته باشند و از من بخواهند که خشت‌های آن‌را بشمارم، چنین کاری نمی‌کنم [چون معاونت ستم‌گر است].» کسانی که این امر را به همین سادگی انگاشته‌اند؛ یا نمی‌دانند و یاهم آگاهانه ستم می‌کنند و در پهلویی ستم‌گران می‌ایستند. این که در برابر

شاه و حاکم ستم‌گر بایستی و فریاد دادخواهی بلند بکنی و از ستم و ناکاره‌گی‌هایش بگویی خود بزرگ‌ترین و به‌ترین جهاد است چنانی که در حدیثی داریم: « طارق بن شهاب البجلی^(رض) روایت می‌کند: « شخصی از پیام‌بر گرامی اسلام در حالی که پایش را در رکاب چرمی گذاشته بود، پرسید: به‌ترین نوع جهاد کدام است؟ فرمودند: گفتن حرف حق در حضور حاکم ستم‌گر. در دین اسلام نظر به این روایت در برابر ستم‌گر ایستادن و سخن حق را گفتن به‌ترین جهاد است.

در دین اگر حق کسی پای مال می‌شود و هویت و فرهنگ کسی زیر پا می‌شود؛ نظر به فرموده‌های بالا حق دادخواهی دارد و دادخواهی‌اش روا و مشروع است و کسی نمی‌تواند آن‌را برچسپ بزند که گویا در دین نیست و... ما بر بنیاد روایت‌های بالا نه تنها حق داریم در برابر ستم‌گر از هویت، زبان و فرهنگ و تمدن‌مان در این کشور دادخواهی بکنیم؛ بل که خاموشی ما و بی‌تفاوتی ما در برابر این همه حق تلفی‌ها و بی‌دادی‌ها جرمی است که خداوند عذاب‌مان خواهد کرد به سبب این بی‌تفاوتی‌ها. نه تنها برای دادخواهی حق داریم که حتا از نگاه دینی ما مکلف به دادخواهی هستیم و مکلف به ایستادن در برابر ستم‌گران و بی‌دادگران هستیم. همان‌گونه که دیگر اوامر الهی به جا آوردن و ادا کردن‌اش الزامی است این امر هم الزامی است و ادایش فرض است چون حکم خداوند^(ج) است.

ما خویشان را از کسی بالاتر نمی‌دانیم و کسی را هم از خویش بالاتر نمی‌دانیم. خداوند می‌فرماید: « نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید.»^(۲۱) ما نه بر کسی ستم می‌کنیم و نه هم می‌خواهیم کسی بر ما ستم کند. پس این خواست ما مشروع و روا است از نگاه دین و کسی هم نمی‌تواند آن‌را برچسب عصبیت بزند. همان‌گونه که خداوند می‌گوید، ما نباید ستم‌گر باشیم و هم نباید ستم‌پذیر باشیم. مطابق فرموده‌ی خدا و پیام‌برش ما حق داریم از زبان، فرهنگ، هویت و تمدن خویش پاس‌داری کنیم و دست هر تجاوزگر و ستم‌گر و پستی‌بان ستم‌گر را کوتاه کنیم و اگر در این راه کشته می‌شویم شهید هستیم و هیچ باکی هم نداریم. این‌هایی که آب را نادیده موزه را می‌کشند، این دادخواهی‌را به‌جای تعصب و نشلیستی گرفته‌اند در حالی که چنین نیست و دادخواهی چیزی جدا از تعصب است. هر چیز را که انسان دارد و خداوند برایش ارزانی فرموده است؛ می‌سزد که از آن پاس‌داری کند و اگر نیازمند پاس‌داری و ارج‌گزاری نبود، پروردگار هرگز نمی‌آفرید آن‌را. پس برماست که از داشته‌های خویش پاس‌داری و پستی‌بانی کنیم و در برابر داشته‌ها و نداشته‌های کسی هم ایستاد نشویم. شماری که می‌آیند تیکه‌پاره‌ی هویت خویش را بر سر تبارهای دیگر می‌کشند این‌ها نمی‌دانند که این کارشان نه در دین و نه هم در عقل جور درمی‌آید. خداوند می‌فرماید: «ای مردم! بی‌شک ما همه افراد شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را قبیله‌ای بزرگ و کوچک قرار دادیم تا

هم‌دیگر را بشناسید هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شماست همانا خداوند بسیار دانا و آگاه است.»^(۲۲) انسان‌ها را برای این به تبارها و گروه‌های گوناگون آفریده است که یک‌دیگر را بشناسند، نه که بر سر هم‌دیگر بزنند و هویت دیگران، نژاد دیگران و رنگ و فرهنگ دیگران را نادیده بگیرند و چیزی را که خود دارند بر دیگران تحمیل کنند. حکمت گروه‌گروه و تبار تبار آفریدن انسان‌ها برای شناخت انسان‌هاست نه برای پای‌مال هویت‌شان. کسانی که خویشان را مسلمان می‌دانند، هویت ستیزی از دید اسلام ناروا و ناجایز است و کسانی که خود را مسلمان نمی‌دانند، باز هم هویت ستیزی جرم است. نه در خرد و نه در اخلاق و نه هم از دید ارزش‌های انسانی و امروزین این کار درست است و در هر حال نکوهش شده است. هویت‌ستیزان و برتری‌خواهان از جاهلان قبیله‌ای و بیمار هستند و در خواب‌های فزون‌خواهی خویش، دین و انسانیت را از یاد برده‌اند و باید به‌خود آورده شوند. ولی ما باید هوشیار باشیم که دیگر کسی به‌نام دین و دیگر مقدس‌ها ما را و داشته‌های ما را زیر پا نکند و به بهانه‌ی دین پای ستم خویش را بر گرده‌های نگذارد.

سرچشمه‌ها

- ۱- «وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»؛ بقره / ۲۵۸؛ مانده / ۵۱، ...
- ۲- «وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الظَّالِمِينَ»؛ آل عمران / ۵۷ و ۱۴۰، ...
- ۳- «أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ»؛ هود / ۱۸ و اعراف / ۴۴.
- ۴- «وَ اعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا»؛ فرقان / ۳۷.
- ۵- «لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ»؛ بقره / ۱۲۴.
- ۶- قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»؛ هود / آیه ۱۱۳.
- ۷- «مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا سَلَطَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ»؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۳، ص ۵۰۰، ح ۷۵۹۳، و در منابع شیعه، در بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۷۲ آمده است.
- ۸- «الظَّالِمَةُ وَأَعْوَانُهُمْ فِي النَّارِ»؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۳، ص ۴۹۸، ح ۷۵۸۹.
- ۹- «مَنْ أَعَانَ ظَالِمًا لِيُدْحِضَ بَيَاطِلَهُ حَقًّا فَقَدْ بَرَّتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ»؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۳، ص ۴۹۹، ح ۷۵۹۵؛ مجمع الزوائد، نور الدین هیشمی، ج ۴، ص ۱۱۷؛ المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۱۱ ق، ج ۴، ص ۱۰۰؛ الدر المنثور، جلال الدین سیوطی، بیروت، اولی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۲۵۶.
- ۱۰- «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا»؛ سوره نساء آیه ۱۴۸
- ۱۱- «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا اعْتَدَى عَلَيْكُمْ»؛ سوره بقره آیه ۱۹۴

- ۱۲- «وَلَمَنْ أَنْتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَأُولَئِكَ مَا عَلَيْهِمْ مِنْ سَبِيلٍ» سورة شوری آیه ۴۱
- ۱۳- « وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا. » سورة (نسا: آیه ۷۵)
- ۱۴- «... و مَنْ أَخَذَ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ كَانَ مَعِيَ فِي الْجَنَّةِ مُصَاحِبًا...»
- ۱۵- « أَحْسَنَ الْعَدْلِ نَصْرَةَ الْمَظْلُومِ »
- ۱۶- «مَنْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ فَقَدْ أَجْرَمَ؛ كُنز العمال، متقی هندی، ج ۶، ص ۸۴، ح ۱۴۹۵۳، در منابع شیعه، بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۷۷.
- ۱۷- «ثَلَاثٌ مَنْ فَعَلَهُنَّ فَقَدْ أَجْرَمَ: مَنْ عَقَدَ لِيَاثٍ فِي غَيْرِ حَقٍّ أَوْ عَقَّ وَالِدَيْهِ أَوْ مَشَى مَعَ ظَالِمٍ لِيُصْرَهُ»؛ كنز العمال، متقی هندی، ج ۱۶، ص ۲۶، ح ۴۳۷۸۱؛ المعجم الكبير، سليمان طبراني، داراحياء التراث العربي، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۰، ص ۶۱، ح ۱۱۲.
- ۱۸- «اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّ الظُّلْمَ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» مسند احمد بن حنبل، ج ۲، ص ۹۲؛ السنن الكبرى، ابی بكر احمد بيهقي، تحقيق: محمد عبد القادر عطا، دار الكتب العلمية، بيروت، اولی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۱۳۴.
- ۱۹- «الظُّلْمُ ظُلُمَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ مسند احمد حنبل، ج ۲، ص ۱۳۷؛ السنن الكبرى، ج ۱۰، ص ۱۳۴؛ صحيح بخاری، ج ۳، ص ۹۹.
- ۲۰- «إِنَّ النَّاسَ إِذَا رَأَوْا الظَّالِمَ فَلَمْ يَأْخُذُوا عَلَيْهِ يَدِيهِ أَوْ شَكَّ أَنْ يُعْمَهُمُ اللَّهُ بِعِقَابٍ»؛ مسند احمد، احمد بن محمد بن حنبل شيباني، تحقيق عبد الله محمد درويش، دارالفكر، بيروت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۷؛ سنن ابی داود، ابی داود، سليمان بن اشعث سجستاني ازدي، تحقيق محمد محی الدين، دار احیاء التراث العربي، بيروت، ج ۲، ص ۳۲۳، سنن الترمذی، ابی عیسی محمد بن عیسی ترمذی، تحقيق احمد محمد شاکر، دار احیاء التراث العربي، بيروت، ج ۳، ص ۳۱۶؛ كنز العمال، متقی هندی، مكتبة التراث الاسلامی، بيروت، چاپ اول، ۱۳۹۷ ق، ج ۳، ص ۷۷، ح ۵۵۷۵.
- ۲۱- لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ. (سوره بقره: آیه ۲۷۹).
- ۲۲- يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ (سوره ی حجرات، آیه ی ۱۳)